

شرق

روزنامه

اندیشه . اجتماعی

مدیریت شهری قالیباف زیر ذره بین کارشناسان

صفحه ۸

شوراها و نیاز به برنامه ۴ساله

صفحه ۹

یادداشتی بر کتاب «نظریه‌ای در باب مدرنیته» اثر اگنش هلر

صفحه ۱۰

یادداشت

درباره تاریخ فلسفه «راتلج»

معاصریت مباحث فلسفی



امیر مازیار

تاریخ فلسفه «راتلج» یکی از مفصل‌ترین تاریخ‌فلسفه‌های غرب است که در مجموعه‌ای ۱۰ جلدی همه دوره‌های تفکر فلسفی در غرب را از پیش‌سقراطیان تا فلسفه تحلیلی معاصر در بر می‌گیرد. چپ این مجموعه تقریباً دهه پایانی قرن بیستم آغاز شد و در سال‌های آغازین این قرن پایان یافت، جی‌اچ. آر. پارکینسون و استوارت شنکر سروراستاران این مجموعه‌اند. هر جلد به دوره‌ای خاص یا جریان فلسفی خاصی می‌پردازد و ویراستار جداگانه‌ای نیز دارد. می‌توان گفت این تاریخ فلسفه، شخص‌محور است یعنی تعیین و ترتیب فصول برحسب فیلسوفان بزرگ و توالی زمانی آنهاست. البته در هر جلدی فصل یا فصلی‌نوی زی‌بافت می‌شود که به زمینه کلی تاریخی یا فکری اندیشه‌های مربوطه می‌پردازد. اما سه جلد پایانی که تماماً به فلسفه قرن بیستم اختصاص دارند (یک جلد فلسفه اروپایی و دو جلد فلسفه تحلیلی) بیشتر جریان‌محورد یا به حوزه‌های گوناگون فلسفی در این قرن پرداخته‌اند. (مثلا فلسفه ریاضیات، فلسفه منطق یا هرمنوتیک، پدیدارشناسی و نظایر آن). اختصاص سه جلد به فلسفه معاصر و یک جلد به فلسفه قرن نوزدهم یکی از ویژگی‌های این مجموعه است با آنکه سهم قابل قبولی نیز به دیگر ادوار فلسفی اختصاص یافته‌است (دو جلد فلسفه یونان و روم، یک جلد فلسفه قرون وسطی، یک جلد رنسانس و عقل‌گرایان، یک جلد تجربه‌گرایان، یک جلد کانت و ایده‌آلیسم آلمانی). هر فصل را نویسنده‌ای متخصص در موضوع و صاحب آثار در آن نگاشته است. از این رو قلم‌ها سلیقه‌ها و رویکردهای گوناگونی در آن مشاهده می‌شود.اما در کل، رویکرد تحلیلی در این تاریخ فلسفه غلبه دارد. ویراستاران گفته‌اند جدا از تفکر فیلسوفان زمینه‌های تاریخی اندیشه‌های ایشان نیز مدنظر بوده است. می‌توان گفت چنین خواسته‌ای تا حدی در مقالات نگاشته‌شده تحقق یافته است اما جدا



از خود مقالات در ابتدای هر جلد جدولی، وجود که مهم‌ترین حوادث تاریخی، هنری، فرهنگی و علمی دوره مورد بحث را در کنار هم نشانده است و از همان ابتدا خواننده را با جغرافیا و تاریخی که اندیشه‌های مورد بحث در آن رویداده‌اند آشنا می‌کند.

چند سالی است که دو موسسه‌انتشاراتی در ایران (چشمه و حکمت) به طور جداگانه مشغول ترجمه این اثر به فارسی‌اند و به این ترتیب این تاریخ فلسفه در کنار دو مجموعه تاریخ فلسفه امیل بریه و کاپلستون قرار خواهد گرفت که پیش‌تر ترجمه شده بودند. از این دو، ترجمه اثر بریه کامل نیست اما مجلدات اصلی تاریخ فلسفه کاپلستون به فارسی ترجمه شده و مقبولیتی خاص نیز پیدا کرده‌اند چنان‌که منبع اصلی درس تاریخ فلسفه در دانشگاه‌های ما همین تاریخ فلسفه است. آنچه در بی می‌آید نکاتی است مختصر در مقایسه تاریخ فلسفه راتلج با تاریخ فلسفه‌کاپلستون.

تاریخ فلسفه کاپلستون به قلم یک شخص است آن هم فرد ملایی که در سنت مدرسی فلسفه آموخته و توانایی بالایی در فهم و تخیل آرای فلسفی دارد. این امر انسجام خوبی به این اثر بخشیده است. ساختار و ضیوع بحث در اکثر فصول و مجلدات یکسانند. در تاریخ فلسفه راتلج سلیقه و تخصص هر نویسنده محتوا و ساختار و شیوه بحث را تعیین کرده است. ظاهرا سروراستاران و ویراستاران به‌جز بعضی ملاحظات کلی، دخالت جدی‌تری در تنظیم مقالات نکرده‌اند و از این جهت این تاریخ فلسفه بیشتر به مجموعه مقالات می‌ماند. البته تکنویسندنه بودن این آفت را هم دارد که طبیعتا تسلط و علاقه و همدلی فرد به همه حوزه‌ها یکسان نیست و این امر ممکن است تالیف او را دچار قوت و ضعف کند. این مساله در اثر کاپلستون مشهود است. بااینکه کاپلستون روایت قابل‌پذیرشی از عمده بخش‌های فلسفه کلاسیک به دست داده است اما هرچه به جلو می‌آید از غنای روایتش کاسته می‌شود. حوزه‌هایی از فلسفه جدید که مشغی غرب کلاسیکی دارند مانند فلسفه شوپنهاور، نیچه یا ایده‌آلیسم آلمانی یا فلسفه قرن بیستم، سنت و ضعیف گزارش شده‌اند. در تاریخ فلسفه راتلج تعدد افراد و تنوع تخصص وجود دارد. اما نویسندگان هم قوی و ضعیف دارند و مقالات نوشته‌شده در این اثر کیفیت یکسان ندارند.

تاریخ فلسفه کاپلستون اثری تعلیمی است. کاپلستون دانسته‌های خاصی را در مخاطبان فرض نمی‌گیرد بلکه اساسا بنایش بر این است که خواننده شناختی از فیلسوف مورد نظر ندارد و او باید اندیشه‌های فیلسوف مربوطه را به نحوی قابل‌فهم به خواننده بیاموزد، بنای کاپلستون تکیه بر آثار اصلی فیلسوفان است. او سعی کرده است در بسیاری از بخش‌ها خلاصه‌ای از آثار مهم فلسفی را بیان کند. از این رو می‌توان در اثر او خلاصه‌های خوب و مفیدی از متافیزیک ارسطو، تحقیق در فاهمه بشری لاک و نقد عقل محض کانت یافت.

ادامه در صفحه ۱۰

نگاه

«ذهن» در جدل میان دانشمندان و فیلسوفان

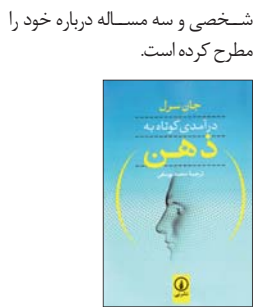
پرسش درباره ذهن و حالات ذهن اعم از آگاهی، احساس، ادراک، قصد، میل، باور، حافظه و… همواره در میان یافته‌های دانشمندان زیست‌شناسی و فیلسوفان، محل بحث‌وجدل بوده است و اینکه آیا این حالات را می‌توان صرفاً به اندام‌های فیزیولوژیک و کارکردهای آنها فروکاست به جدل آنها دامن زده است. گرچه پاسخ به چستی این‌امور در وهله نخست از سوی زیست‌شناسان بوده است، اما در تحلیل بنیادین، فیلسوفان ذهن، پاسخ‌هایی درخور و تامل‌برانگیز برای این مفاهیم یافته‌اند. فلسفه ذهن از شاخه‌های فلسفه تحلیلی است که درباره پدیده‌های ذهن بحث می‌کند. حتی مفاهیمی نظیر «آزادی، اراده، علیت ذهنی، هویت، مساله ذهن-بدن، ادهان دیگر و… از موضوعاتی است که این ساحت فلسفی به آن می‌پردازد. کتاب «درآمدی کوتاه به ذهن» یکی از آثار است که برای آشنایی با این نحله فلسفی پیشنهاد شده است. «جان سرل» در پیشگفتار کتاب دلیل انتشار این کتاب را علاوه بر رایه نظرپاشش در حوزه فلسفه ذهن، نگارش کتابی مقدماتی و درعین‌حال جامع برای آشنایی با این حوزه معرفی می‌کند که در تلاش است تقسیم‌بندی‌های مرسوم در حوزه فلسفه ذهن را به چالش بکشد. او به‌رغم آنکه حالات‌ذهنی را تماماًبه‌دلیل فعالیت‌های نرونی مغز می‌داند، اما از آنجا که آنها را سوسنژکتیو، کیفی و اول‌شخص قلمداد می‌کند، فروکستن هستی‌شناختی صرف این حالات را به بنیاد نرونی‌شان نمی‌پذیرد.

کتاب «درآمدی کوتاه به ذهن» در ۱۱ فصل با عناوین «یک دوچین مساله در فلسفه ذهن»، «چرخش به‌سوی مادی‌گرایی»، «استدلال‌هایی علیه مادی‌گرایی»، «آگاهی»، «روی‌آوردگی (حیثیت‌التفاتی)»، «علیت ذهنی»، «اراده آزاد»، گردآوری شده است همچنین در ادامه نگارنده می‌کوشد پرسش‌های مختلف از جمله اینکه چرا درپاره آزادی اراده با مشکل مواجهیم، آیا همسازانگاری راه‌حلی برای مساله اراده آزاد به‌حساب می‌آید، آیا موجبیت روانشناختی درست‌است و آیا موجبیت عصبریزت‌شناختی درست است، نگرشی متفاوت درباره آزادی اراده سخن گوید و در فصل نهم با عنوان «ناخودآگاه و تبیین رفتار» نیز مباحثی مانند چهار نوع ناخودآگاه، اصل ارتباط، دلایل ناخودآگاه برای کنش و پیروی ناخودآگاه از قاعده را مطرح می‌کند. در فصل دهم با عنوان «ادراک» مباحثی را درباره استدلال‌هایی به نفع نظریه داده حسی، نتایج نظریه داده حسی، ابطال نظریه داده حسی و برهان استدلالی برای واقع‌گرایی مستقیم‌را به چالش می‌کشد و سرانجام در فصل یازدهم با عنوان خود (نفسی) مباحثی مانند هویت و حافظه، معیارهای هویت شخصی و سه مساله درباره خود را مطرح کرده است.

چند سالی است که دو موسسه‌انتشاراتی در ایران (چشمه و حکمت) به طور جداگانه مشغول ترجمه این اثر به فارسی‌اند و به این ترتیب این تاریخ فلسفه در کنار دو مجموعه تاریخ فلسفه امیل بریه و کاپلستون قرار خواهد گرفت که پیش‌تر ترجمه شده بودند. از این دو، ترجمه اثر بریه کامل نیست اما مجلدات اصلی تاریخ فلسفه کاپلستون به فارسی ترجمه شده و مقبولیتی خاص نیز پیدا کرده‌اند چنان‌که منبع اصلی درس تاریخ فلسفه در دانشگاه‌های ما همین تاریخ فلسفه است. آنچه در بی می‌آید نکاتی است مختصر در مقایسه تاریخ فلسفه راتلج با تاریخ فلسفه‌کاپلستون.

تاریخ فلسفه کاپلستون به قلم یک شخص است آن هم فرد ملایی که در سنت مدرسی فلسفه آموخته و توانایی بالایی در فهم و تخیل آرای فلسفی دارد. این امر انسجام خوبی به این اثر بخشیده است. ساختار و ضیوع بحث در اکثر فصول و مجلدات یکسانند. در تاریخ فلسفه راتلج سلیقه و تخصص هر نویسنده محتوا و ساختار و شیوه بحث را تعیین کرده است. ظاهرا سروراستاران و ویراستاران به‌جز بعضی ملاحظات کلی، دخالت جدی‌تری در تنظیم مقالات نکرده‌اند و از این جهت این تاریخ فلسفه بیشتر به مجموعه مقالات می‌ماند. البته تکنویسندنه بودن این آفت را هم دارد که طبیعتا تسلط و علاقه و همدلی فرد به همه حوزه‌ها یکسان نیست و این امر ممکن است تالیف او را دچار قوت و ضعف کند. این مساله در اثر کاپلستون مشهود است. بااینکه کاپلستون روایت قابل‌پذیرشی از عمده بخش‌های فلسفه کلاسیک به دست داده است اما هرچه به جلو می‌آید از غنای روایتش کاسته می‌شود. حوزه‌هایی از فلسفه جدید که مشغی غرب کلاسیکی دارند مانند فلسفه شوپنهاور، نیچه یا ایده‌آلیسم آلمانی یا فلسفه قرن بیستم، سنت و ضعیف گزارش شده‌اند. در تاریخ فلسفه راتلج تعدد افراد و تنوع تخصص وجود دارد. اما نویسندگان هم قوی و ضعیف دارند و مقالات نوشته‌شده در این اثر کیفیت یکسان ندارند.

تاریخ فلسفه کاپلستون اثری تعلیمی است. کاپلستون دانسته‌های خاصی را در مخاطبان فرض نمی‌گیرد بلکه اساسا بنایش بر این است که خواننده شناختی از فیلسوف مورد نظر ندارد و او باید اندیشه‌های فیلسوف مربوطه را به نحوی قابل‌فهم به خواننده بیاموزد، بنای کاپلستون تکیه بر آثار اصلی فیلسوفان است. او سعی کرده است در بسیاری از بخش‌ها خلاصه‌ای از آثار مهم فلسفی را بیان کند. از این رو می‌توان در اثر او خلاصه‌های خوب و مفیدی از متافیزیک ارسطو، تحقیق در فاهمه بشری لاک و نقد عقل محض کانت یافت.



درآمدی کوتاه به ذهن

جان سرل

ترجمه: محمد یوسفی

نشر: نی

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان



مکتب آتن اثری از رافائل

گفت‌وگو با علی معظمی به بهانه انتشار جلد دوم تاریخ فلسفه «راتلج»:

فلسفه حوزه اختلاف‌نظر است

سهند ستاری

تاریخ فلسفه «کاپلستون» جامع‌ترین تاریخ فلسفه‌ای است که تا‌به‌امروز به زبان فارسی در اختیار دانشجویان فلسفه و علاقه‌مندان این حوزه قرار گرفته است. هر چند پیش از اینها تاریخ فلسفه «راسل» و «ویل دورانت» نیز به فارسی برگردانده شده بود اما تا‌به‌امروز کاپلستون به‌عنوان تنها منبع دانشگاهی معرفی شده است، ولی گویا با انتشار تاریخ فلسفه راتلج، کتابی (مراجع) با یک نویسنده و چندین مترجم، جای خود را به کتابی با چندین نویسنده و ویراستار و چند مترجم خواهد داد. تاریخ فلسفه راتلج که ترجمه جلد سوم آن نیز منتشر شده، توسط استادان هر حوزه به رشته تحریر درآمده است و درمقایسه با کاپلستون، حوزه مطالعات تاریخ و اندیشه فلسفی را تخصصی‌تر دنبال می‌کند. از سوی دیگر ویراستاران کتاب نیز مدعی شده‌اند که کوشیده‌اند مقالات این کتاب برای مخاطبان غیر حرفه‌ای فلسفه نیز کاربرد داشته باشد و به داده‌های پایهای و مقدماتی فلسفی آنها کمک کند و برای دانشجویان فلسفه نیز تکمیل‌کننده مرجع‌های قبلی آنها باشد. از این‌رو به بهانه انتشار ترجمه‌های تاریخ فلسفه راتلج، با مترجم جلد دوم این مجموعه - علی معظمی - گفت‌وگویی داشته‌ایم و درباره وجه تمایز این مجموعه با مجموعه‌های مشابه و ویژگی‌های آن صحبت کرده‌ایم.



بله، این دقیقاً یکی از همان امتیازاتی است که در سوال قبل به آن اشاره کردم. اینجا می‌توانم تأکید کنم که مطالعه این دوره برای دانشجویان کارشناسی هم‌موجب‌آشنایی بیشتر با دیدگاه‌های تخصصی است و هم به‌نوعی ماهیت اختلاف‌نظرها در روایت و فهم فلسفه را پیش چشم‌شان می‌گذارد. برای دانشجوی فلسفه مهم است که از همان ابتدا این را به رسمیت بشناسد که فلسفه حوزه اختلاف‌نظر است و نه جریمت علاوه بر اینکه ببیند اختلاف‌نظر چطور در مطالعه‌ای متکی به پژوهش وسیع و عمیق بروز می‌کند و دامنه‌اش چیست؛ ببیند که چقدر می‌شود حرف حساب زد و درعین‌حال با یکدیگر در موضوعی اختلاف‌نظر داشت. به این ترتیب چنان‌که برخی از خود نویسندگان تاریخ فلسفه راتلج هم، جابه‌جا تأکید کرده‌اند دانشجوی فلسفه می‌تواند ببیند که پرداختن به تاریخ فلسفه تا چه اندازه می‌تواند خود موقعیت تفلسف را فراهم کند. این فایده‌ای است که تاریخ فلسفه کاپلستون، خواهی‌نخواهی به اندازه دوره راتلج از آن برخوردار نیست. در آنجا حتی روایت اختلاف آرا هم توسط یک فرد انجام شده است.

اگر بتوان محتوای تاریخ فلسفه غرب را همانا تاریخ نبرد میان ایده‌آلیسم و ماتریالیسم تلقی کرد در آن صورت تاریخ فلسفه غرب را می‌توان در رابطه میان تفکر و وجود جست‌وجو کرد که به چندین دوره تقسیم می‌شود. تاریخ



کند یا این‌همه نگاهي به حال و روز نشر و تیراز کتاب در ایران این امید را نیز کم‌رنگ می‌کند. در چنین شرایطی وضع قوانین سختگیرانه و اعمال نفوذ بر مترجمان نیز راه صحیحی نیست. در واقع راحل روشنی پیش‌رو نیست مگر همین که شاهدش



چنان‌که گفتید تاریخ فلسفه کاپلستون مرجعی اساسی در دوره کارشناسی فلسفه به‌شمار می‌آید؛ هرچند یگانه مرجع هم نیست و استادان و دانشجویان هم از کتاب‌های تاریخ فلسفه متنوعی که ترجمه شده‌اند، چه دوره‌های تاریخ فلسفه عمومی مانند کتاب بریه و چه کتاب‌های متمرکز بر دوره‌های مشخص تر مانند دوره گاتری در فلسفه یونان یا کتاب زیلسون در تاریخ فلسفه قرون وسطا، استفاده می‌کنند. با این همه باز هم کاپلستون کتاب اصلی است. کتاب کاپلستون به خودی خود کتاب خوبی است و چند نسل از دانشجویان فلسفه با آن تاریخ فلسفه آموخته‌اند.باین‌همه وقتی با همین دوره راتلج مقایسه‌اش کنیم امتیازات دوره راتلج واضح است: دوره راتلج را یک فرد با یک دیدگاه مشخص درباره تمام تاریخ فلسفه نوشته. متخصص مختلف نوشته‌اند که اغلب هم با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند و زمانی که شما یک جلد کتاب را می‌خوانید هم روایت تاریخ فلسفه آن دوره را خوانده‌اید و هم در خلال متن، از اختلاف‌نظرهای پژوهشگران در این حوزه مطلع شده‌اید.به‌علاوه دوره راتلج حاصل کار پژوهشی بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تری از کار کاپلستون است و این طبیعی است. حجم ارجاع‌ها و کتاب‌شناسی این آثار با هم قابل‌مقایسه نیستند نکته دیگر که به همین مورد اخیر برمی‌گردد متاخرتربون و به‌روزوبون دوره راتلج است. دوره راتلج چند دهه بعد از کاپلستون توسط متخصص تاریخ فلسفه نوشته شده و به این ترتیب مباحث جدیدی را دربر می‌گیرد. به همه این دلایل فکر می‌کنم که در دسترس‌سویون ترجمه آن برای دانشجویان کارشناسی مفید است و انتخاب‌های مطالعه و تدریس را با در دسترس گذاشتن گزینهای بسیار خوب افزایش می‌دهد.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ فلسفه راتلج، نگارش این مجموعه توسط تعداد زیادی از متفکران حوزه‌های تخصصی فلسفه است. اینکه تاریخ فلسفه راتلج توسط استادان هر حوزه نوشته شده و درمقایسه با تاریخ فلسفه‌های مشابه نظیر کاپلستون و راسل که توسط یک‌فرد و یا دیدگاه خاص او نوشته شده است آیا می‌تواند به تخصصی شدن مطالعات حوزه اندیشه فلسفی کمک کند؟

یکی از مشکلات نشر ایران ترجمه‌های گوناگون از یک کتاب است، که به‌طوری شگفت‌آور معمولاً در یک زمان صورت می‌گیرد. نفس وجود ترجمه‌های گوناگون از آثار کلاسیک نه محل ایراد بلکه در‌خور توجه است. اینکه کتابی کلاسیک در حوزه فلسفه مثلاً پس از یک یا چند دهه با ترجمه‌ای جدید، بدون نفس‌های ترجمه قبلی، رایبه شود، سنتی است که در غرب نیز رواج دارد. برای نمونه می‌توان به ترجمه‌های جدید از «نقد عقل محض» کانت یا «پدیدارشناسی روح» هگل اشاره کرد که شارجح بر جسته این آثار رایبه کرده‌اند. آنچه مورد سوال است ترجمه کتابی نه‌چندان حجیم توسط چندین مترجم و رایبه هم‌زمان آن است؛ کاری که البته به‌واسطه نبود قوانین کپی‌رایت و وضعیت بی‌سروسامان نشر در ایران صورت می‌پذیرد، نه اینکه